

مترجمه ای از شمال عراق در فنلاند

بهار منوچهر 37 ساله ساکن اسپو

مدیر عامل و مترجمه

کردی هستم که زادگاهم شهری به نام سلیمانیه در شمال عراق است. در آنجا آموزش پرستاری دیدم و فرصت شد که به مدت یک سال و نیم در شغل پرستاری در همانجا کار کنم. هنگامی که چهار سالم بود مادرم فوت کرد. پدرم مغازه دار بود و تجارت آزاد هم می کرد. از این لحاظ حتماً به پدرم رفته ام، چون من هم شغل آزاد را انتخاب کرده ام. پدرم همیشه در یک زمان واحد دستش به چندین کار بند بود؛ همچنان که من نیز در حال حاضر به چند کار مشغولم.

در سال 1991 میلادی، در زمان وقوع اولین جنگ خلیج فارس، در یک بیمارستان صحرایی که تحت پوشش نیروهای سازمان ملل در ناحیه مرزی ایران و عراق دایر بود، داوطلبانه کار می کردم. در این بیمارستان کارم رسیدگی و مراقبت از آسیب دیده های جنگ بود. در جریان یک حادثه تیر اندازی، خانواده ام مورد اصابت گلوله واقع شدند و از آن زمان تصمیم به ترک وطن گرفتم. در آن وقت دو فرزند خردسال 4 ساله و یک ساله داشتم. برای آنها یک کشور امن و امان میخواستم. سپس به شهر آنکارا در ترکیه کوچ کردیم و تا سال 1994 میلادی در این شهر ساکن بودیم.

برادر بزرگترم در فنلاند اقامت داشت؛ و در واقع به همین مناسبت به فنلاند آمدم. در آن وقت به این فکر بودم که به استرالیا مهاجرت کنم، ولی برادرم عقیده داشت؛ که آغاز کردن زندگانی جدید در کشوری بیگانه، بدون وجود خویشان نزدیک، کار بسیار مشکلی است. در ماه فوریه سال 1994 به فنلاند وارد شدیم. هوای هلسنکی سرد و شهر مملو از برفاب بود؛ به همین دلیل اولین تصویری که از موطن جدیدم در ذهنم نقش گرفت خیلی خوشایند نبود.

در اوائل اقامتم در فنلاند خیلی از زندگانی راضی نبودم، اما می بایست به طریقی خود را با شرایط وفق داد. در واقع، فنلاند جای آسانی برای زندگانی نیست. در اینجا برای انجام هر امری باید کوشش و مبارزه نمود. در فنلاند برای ادامه زندگانی دو در به روی انسان باز است: بر روی در اول نوشته: "اگر میخواهی زندگی را با کاهلی و راحت طلبی بگذرانی، به اداره امور اجتماعی مراجعه کن!" روی در دوم نوشته: "اگر میخواهی کار و فعالیت کنی، باید سخت کوش و مبارز باشی!" بسیاری از پناهندگانی که به فنلاند می آیند، فقط یک ساک لوازم به همراه دارند. آنها باید برای تهیه ظروف و وسائل زندگی خود از صفر شروع کنند.

کار آزاد

در اواخر سال گذشته اقدام به تأسیس یک دارالترجمه بانوان نمودم. این دارالترجمه به شکل یک شرکت سهامی است که مدیر عامل آن خودم هستم. قبل از آن به مدت ده سال در قالب یک مؤسسه یک نفره به کار ترجمه اشتغال داشتم. حالا در سمت مدیر عامل این شرکت، با مشتریان تماس گرفته و مترجم مورد احتیاج آنها را برایشان ارسال می دارم. در صورت لزوم، خودم هم کار ترجمه شفاهی و کتبی را به زبان کردی انجام می دهم.

این شرکت در اسپو Espoo دایر شده و به فعالیت مشغول است. در حال حاضر در آنجا تعداد زیادی اتباع خارجه سکونت می کنند که بسیاری از آنها، برای انجام امور روزمره زندگانشان، هنوز احتیاج به خدمات دارالترجمه دارند. بزرگترین سهم متقاضیان خدمات شرکت ما ادارات و دواير متعدد و مختلف دولتی می باشند. از جمله این ادارات، می توان اداره امور اجتماعی، اداره بهداری، اداره آموزش و پرورش، دادسرا، اداره مرزبانی و اداره پلیس را نام برد. علاوه بر خدمات ترجمه شفاهی، ترجمه کتبی و آموزشها و راهنماییهای مربوط به استفاده از مترجم را نیز به متقاضیان ارائه می دهم.

قریب 40 مترجم از زبانهای مختلف بصورت غیراستخدامی یا دستمزدی (freelance) با شرکت ما همکاری دارند. تمام مترجمین ما مهارت کافی را در این کار داشته و برای "ترجمه امور اداری" (asioimistulkki) آموزشهای لازم را دیده اند. خیلی از این مترجمین داری شغل و حرفه دیگری نیز می باشند و کار ترجمه را نیز در کنار آن انجام می دهند.

برای تأسیس شرکت احتیاج به کسب اطلاعات فراوانی است. تجربیات چندین ساله ای که تحت عنوان مؤسسه یکنفره داشتم خیلی در امر تأسیس شرکت جدید به من کمک نمود؛ به طوری که اصلاً به کمک دیگران احتیاج پیدا نکردم. حتی در موقع تأسیس مؤسسه یکنفره هم از کسی کمک نگرفتم. همچنین برای شروع کار آزاد، هیچ نوع کمک مالی از "اداره مرکزی نیروی انسانی و مشاغل" (TE-keskus) نیز دریافت نداشته ام. بلکه خودم شخصاً با مراجعه به اداره کار و اداره دارائی، اطلاعات لازم را کسب نموده ام. همچنین به "انجمن مشاغل آزاد اسپو" مراجعه کرده و در باره اقدامات و اطلاعات لازم برای تأسیس شرکت سهامی، از آنها سؤال کردم.

اخیراً سیستم اطلاعاتی و راهنمایی ادارات، زیادی به شبکه اینترنت منتقل شده است. برای مثال، وقتی برای کسب اطلاعات به اداره دارائی اسپو مراجعه کردم، فقط یک تکه کاغذ حاوی یک آدرس در شبکه اینترنت به دستم دادند؛ در صورتیکه خودم پیش از آن به همان آدرس در شبکه رجوع کرده بودم و این آدرس مملو از اطلاعات گوناگون بود. اصطلاحات و دستورالعملهای مالیاتی

بقدری پیچیده و نامفهوم می باشند که مؤدی ممکن است آنها را به طرق متفاوت تعبیر کند. در سیستم اطلاع رسانی، ارباب رجوع فنلاندی و بخصوص خارجیها احتیاج به خدمات حضوری دارند. با وجود اینکه فنلاند کشوری پیشرفته است، اما در استفاده از شبکه اینترنت، هنوز به آن درجه نرسیده ایم که بتوانیم تمامی خدمات اطلاعاتی را فقط به اینترنت واگذار نماییم. این سؤال برآیم پیش می آید که اتباع خارجه ساکن در اینجا چگونه می توانند از این انبوه منابع اطلاعاتی استفاده صحیح ببرند.

دوست دارم اضافه کنم که مسئولین دواير مختلف دولتی، که در رابطه با خارجیان کار می کنند، این مشکلات را اذعان دارند؛ ولی متأسفانه راه حل‌های این مشکلات بیشتر بصورت تنوری در روی کاغذ باقی می ماند. باید به طریقی این موضوع را بهبود بخشید.

برخورداری از مترجم مجرب جزء حقوق انسان است

حرفه مترجم نیز مانند حرفه های پزشکی یا آموزگاری، یک فن است. یک مترجم خوب باید در هنگام ترجمه نقش بی طرف داشته باشد. برای حفظ موقعیت بی طرفی، مترجم نباید تحت تأثیر نظرات، عقاید و احساسات شخصی خود قرار بگیرد. او باید بتواند مطالب را صحیح و درست ترجمه کند، یا به عبارت دیگر، تسلط و مهارت کافی را به زبان داشته باشد. همچنین مترجم باید به تفاوت‌های فرهنگی شناخت داشته و بتواند از این شناخت در ترجمه استفاده نماید. کار ترجمه برای من یک وظیفه شغلی و حرفه ای است، ولی بیانگر تمامی شخصیت من نمی باشد.

دوره های آموزش "مترجم امور اداری" (asioimistulkki) قبلاً در دانشگاه هلسینکی، واحد "کولوا" Kouvola برگزار می گشت. این دوره آموزش یک سال به طول می انجامید و برای سنجش میزان مهارت خواندن و نوشتن زبان فنلاندی، از داوطلبان آزمون ورودی گرفته می شد. کلاسهای این دوره ها تمام وقت بود. اکنون دوره های آموزشی مشابه آن در شهر "تامپره" Tampere برگزار می شود. در حال حاضر امکان دارد که این دوره آموزشی را از طریق شرکت در کلاسهای آزاد نیز طی نمود. برگزاری این دوره ها بستگی به میزان تقاضا و احتیاجات موجود می باشد.

برای اثبات این ادعاء که "برخورداری از مترجم مجرب جزء حقوق انسان است"، می توان گفت؛ که چون انسانها حق دارند که به زبان مادری خود صحبت کنند یا حد اقل امور مهم و اداری خود را به زبان مادریشان به انجام برسانند؛ پس استفاده از مترجم حق آنها است. برای امر ترجمه نباید به هیچ وجه از خویشان نزدیک و یا بچه های خود استفاده کرد.

وظیفه حفظ اسرار و محرمانه نگاه داشتن موضوعات ترجمه

چون اکثر مطالب مربوط به ترجمه امور اداری ناخوش آیند می باشند، کار ترجمه موجب ایجاد "استرس" یا فشار عصبی فراوانی می شود. از طرف دیگر، مترجم موظف است که تمام مطالب و موضوعات مربوط به ترجمه را محرمانه نگهدارد. باضافه اینکه، او همیشه کارش را به تنهایی انجام می دهد و نباید به هیچ وجه موضوعات مربوط به ترجمه را برای اشخاص دیگر فاش کند. به همین دلیل، مطالب مربوط به کار مرتب در دل مترجم جمع می شوند و ممکن است که ذهن او را آشفته نمایند.

برخی از مترجمین نمی توانند به مدت طولانی در این کار باقی بمانند. خیلی از مترجمین ما دارای شغل دیگری نیز هستند و کار ترجمه را در کنار آن و به صورت غیراستخدامی یا دستمزدی (freelance) انجام می دهند. با وجود اینکه ده سال است که با عنوان مترجمه کار می کنم، اما خودم هم هیچوقت نخواسته ام که به صورت استخدامی و با حقوق ماهانه به کار مترجمی اشتغال داشته باشم. برای سبک کردن بار عصبی این کار، همیشه سعی داشته ام که با مترجمین دیگر مصاحبت و همدردی کرده و اگر از موضوع ترجمه ای رنج برده ام، آنرا با طرفین همان ترجمه در میان گذاشه ام. به این صورت توانسته ام که تا حال در این کار دوام بیاورم.

به عقیده بعضی از مترجمین، کار ترجمه کار خیلی مفید و پرباری نیست، چون مترجم نمی تواند در نظرات مسئولین اداری و ارباب رجوع آنها تأثیر گذار باشد. بر خلاف این عقیده، روزی به مترجمی گفتم که اگر یکبار برای امتحان در جلسه ترجمه ای به مدت نیم دقیقه سکوت کند، می بیند که هیچ پیشرفتی در امر مذاکره صورت نمی گیرد؛ و آن وقت به اهمیت کار خودش پی خواهد برد. باضافه، وقتی مترجم می بیند که به خاطر حضور او، کار ارباب رجوع به پیش می رود موجب رضایت خاطرش خواهد شد.

من مدرک پرستاری را در فنلاند هم اخذ کرده ام؛ اما با این وجود میل ندارم که به کار پرستاری بپردازم، بلکه بیشتر دوست دارم که در شغل مترجم باشم. این از مشاغل نادر است و اطمینان دارم که به عنوان یک مترجم بیشتر نافع و مورد احتیاج هستم تا یک پرستار. مترجم میرزی هستم و در این سالها توانسته ام که مهارتم را در این کار توسعه داده و این تجربیات را در اختیار مترجمین دیگر نیز بگذارم. مترجمین جدیدی را نیز آموزش داده ام.

با وجود اینکه دیگر به کار پرستاری اشتغال ندارم، اما تجربیات و اطلاعاتم در این زمینه برایم مفید واقع شده است. کار کردن با متخصصین و صاحبان حرفه های مختلف و بیماران گوناگون در بیمارستان، به انسان می آموزد تا بتواند در موقعیت و وضعیت سخت نیز از عهده حل مشکلات بر آید. باضافه، واژه های مربوط به مطالب بهداری و درمانی را خوب می دانم؛ و این عامل بسیار مهمی است تا بتوانم مثلاً در مطب پزشک از عهده ترجمه برآیم.

مصاحبه و نگارش توسط: "انو لیکونن" Anu Likonen
عکسها توسط: "نانی آکولا" Nanni Akkola